

عکس‌های شخصی به افزایش کیفیت این فیلم کمک کرد. البته متأسفانه و برخلاف تصور، عکس‌هایی که از زنده یاد خاجیکیان در اختیار ایشان هست بسیار محدود و پراکنده بود. در مجموع تعدادی از آن‌ها را که پیش از این در کتاب «مجموعه آثار ادبی ساموئل خاجیکیان» (ترجمه ادوین خاجیکیان) چاپ شده بود به اضافه برخی عکس‌ها که نسخه اصل‌شان در اختیار خانواده آقای خاجیکیان بود انتخاب کردم و در فیلم از آن‌ها استفاده کردم که معتقدم به کیفیت نهایی آن بسیار کمک کرده است.

### دلیل علاقه شما به سینمای ساموئل خاجیکیان و خود زنده یاد خاجیکیان از کجا می‌آید؟

من زمانی به سینمای زنده یاد خاجیکیان علاقه‌مند شدم که زنده یاد علی‌رضا و زل شمیروانی (اولین اس‌تادم در زمینه روزنامه‌نگاری) درباره این فیلمساز و فضای خاص فیلم‌هایش با من صحبت کرد. بعد از این تلنگر بود که به طور اتفاقی «خداحافظ تهران» به دستم رسید و کاملاً مرا شوکه کرد. فیلمی که چهار سال قبل از به دنیا آمدن من ساخته شده بود اما در مقیاس امروزی «بیگ پروداکشن» یا یک فیلم دشوار با هزینه تولید بسیار سنگین بود. فیلمبرداری این فیلم، جدا از تهران، در شیراز و رینه (از توابع مازندران) انجام شده، با یک لشکر از نیروهای ارتش، هواپیما، چتر باز، تیسر و تیراندازی و خیلی چیزهای دیگر. همین یک فیلم با وجود ضعف‌های آشکاری که در داستان و فیلمنامه دارد نشان می‌دهد سینمای امروز ایران چه فاصله‌ای با روزگار اوج خود گرفته؛ خصوصاً در مقایسه با فیلم‌های آپارتمانی و کم‌دی‌های مبتدلی که سلیقه مخاطب امروز سینما را به گروگان گرفته‌اند. از این نظر ساموئل خاجیکیان، فیلم‌های او و تغییراتی که با انقلاب در مسیر فیلمسازی او ایجاد شد، در سینمای ما یک‌ه و یگانه است. اگر توجه کنید می‌بینید اصرار مدیران و ریل‌گذاران سینمای ایران در تغییر مسیر برخی فیلمسازان، حتی در سال‌های اخیر هم دیده می‌شود و یک داستان کم و بیش تکراری است. داستانی که ساموئل خاجیکیان یکی از نقش‌های اصلی آن را بر عهده داشته و متأسفانه هنوز و همیشه تکرار می‌شود.

### ادوین فرزند ساموئل خاجیکیان: همواره و امدار پدرم هستم

با توجه به اینکه خودتان هم کارگردان و فیلمساز هستید نظر‌تان در مورد این مستند چه بود و آیا اطلاع از روند ساخت داشتید؟ و در نهایت نتیجه برای شما رضایت بخش بود؟

بله از همان ابتدا آقای نجوان مرا در جریان همه کارهایشان قرار می‌دادند به خصوص به این علت که من هم یک ایده‌ای برای مستندی درباره پدر داشتم و برای اینکه این دو اثر شباهتی هم با هم نداشته باشند یک سری هماهنگی‌ها با هم داشتیم. البته ایده من هنوز ساخته نشده است چون پروژه خاصی است و می‌تولید که با حوصله و پس از پخته‌تر شدن طرح و ایده به تولید بیانجامد. آقای نجوان بر اساس نوار کاستی که از مصاحبه با پدر به جا مانده بود پایه فیلمشان را بنا کردند و بر این اساس طرح را بست دادند که در مجموع فیلم خوبی هم از کار درآمده و خیلی جذاب است و نکات بسیار آموزنده‌ای دارد.

نقد‌های بسیار مثبتی نیز در مورد این مستند نوشته شده است.

بله و من از علاقه‌مندان دعوت می‌کنم که بروند و این فیلم را ببینند چرا که هنر و تجربه یک تایم محدودی را برای اکران فیلم‌ها قائل می‌شود. من به علاقه‌مندان و دانشجویان سینما و کسانی که کار تحقیقاتی می‌کنند دیدن این فیلم را توصیه می‌کنم چرا که فیلم بسیار مفیدی است و اینکه روی پرده فیلم را ببینند نیز مزیت خود را دارد.

### خود را تا چه حد و امدار سینمای پدرتان می‌دانید؟

تمام آموخته‌های من و آنچه که در عرصه سینما می‌دانم از پدر است و همواره و امدارشان هستم و علاقه اصلی من نیز در این زمینه نوع سینمایی است که پدر در آن تبحر داشت، یعنی همان سینمای پرتعلیق و دلپره‌آور و تمام تلاش‌های من می‌کنم که اگر فرصتی ایجاد شود کار بعدی‌ام نیز تا حدودی در این زمینه باشد.

### سخن پایانی

در بخش هنر و تجربه فیلم‌های ارزشمند و خوبی روی پرده می‌آید که کمتر شناخته شده و اساساً فرصت تبلیغات آنچنانی ندارند، به نظرم خیلی خوب است که کمی از این فضای مجازی دل‌بکنیم و حداقل گاهی فیلم‌ها را در سینما ببینیم. هر چند که محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی وجود دارد ولی باز هم اگر آن پیگیری و استمرار برای جلو رفتن در سینما وجود داشته باشد یک سری از فیلم‌ها ارزش دیدن روی پرده را دارند آن فیلم‌ها نیز با همین دیده شدن‌ها حمایت می‌شوند و به کارشان ادامه می‌دهند.



## نگری حتی برای امروز

نحوه خاص تدوین نماها، انتخاب سرفصل‌ها، ترتیب دقیق عکس‌ها و مهم‌تر از همه، تاثیر زاویه دید در تاثیرگذاری مستقیم بر بیننده پرداخته می‌شود اما متأسفانه در اغلب نوشته‌هایی که دیدم و خواندم، نقد محتوا بر نقد تکنیک ارجحیت دارد. همان‌طور که در تحلیل سینمای ایران نیز عمدتاً به نقد محتوایی فیلم‌ها پرداخته می‌شود و در اغلب موارد، تکنیک و مسائل تکنیکی فیلم‌ها نادیده گرفته می‌شود. از این نظر دلم می‌خواست دوستان و همکاران عزیزم بیشتر تر به مسائل تکنیکی موجود در فیلم بپردازند و این مستند را با دقت بیشتر تری ببینند و نقد کنند.

### در یکی از این نقدها به همخوانی ضرباهنگ تدوین مستند شما با آثار خاجیکیان اشاره شده. در این باره چه نظری دارید؟

راستش من اصلاً تلاش نداشتم که ضرباهنگ تدوین فیلم را به ضرباهنگ آثار زنده یاد خاجیکیان نزدیک کنم و چه بسا به دلیل ریتم تند داستان و بعضی صحنه‌ها در فیلم‌های ایشان، این کار اصلاً شدنی نبود. تمام تلاش من معطوف این نکته بود که سکانس‌های مختلف فیلم را به گونه‌ای تدوین کنم که خسته‌کننده نباشد و ضمن رعایت حجم اطلاعات، مفرح و جذاب هم باشد. شاید به همین خاطر در مورد این فیلم به همخوانی ضرباهنگ تدوین با آثار زنده یاد خاجیکیان اشاره شده؛ در غیر این صورت من خودم دلیل یا نکته‌ای برای این شباهت نمی‌بینم.

### نحوه همکاری ادوین خاجیکیان (تنها فرزند زنده یاد خاجیکیان) با این مستند چه طور بود؟ و ایشان تا چه میزان در ساخت این فیلم به شما کمک کردند؟

من از ابتدای تولید فیلم، ادوین عزیز را در جریان گذاشتم و در حقیقت موافقت ایشان را برای ساخته شدن این مستند جلب کردم. البته طبیعی بود که در ابتدای راه کمی ابهام وجود داشته باشد. اما رفته رفته که نسخه‌های مختلف فیلم آماده شد، ادوین عزیز هم به آن علاقه‌مند شد و تا جایی که برایش امکان داشت، با ارائه بعضی

### در مورد نمایش عمومی این مستند و چالش‌هایی که برای شما داشت بگوئید.

من از زمانی که تصمیم به ساخت این فیلم گرفتم مطمئن بودم آن قدر جذاب خواهد شد که بتواند به نمایش عمومی در آید و مخاطبان را هم با خود همراه کند. همین‌جا باید توضیح بدهم که بنده هم زمان با این فیلم، مستند دیگری (درباره پیدا شدن مزار دو شهید گمنام) ساخته‌ام که جدا از فضای متفاوت این دو فیلم، مطمئنم باید در محفل دیگری (به غیر از روی پرده سینما) به نمایش گذاشته شود. به عبارت دیگر این طوری نیست که اعتقاد داشته باشم هر فیلمی را باید در سینما به نمایش گذاشت و خودم جزو کسانی هستم که همیشه مخالف نمایش فیلم‌های خشن و غیر جذاب روی پرده سینما بودم. اما به هر حال حیطه نمایش در یک گروه سینمایی برایم ناشناخته بود و نمی‌دانستم با چه چالش‌ها و موانعی روبرو خواهم شد. در مجموع، از نمایش محدود و پراکنده فیلم ناراضی نیستم اما معتقدم اگر رسانه ملی، به این نوع فیلم‌ها توجه نشان می‌داد و در تهران و شهرستان‌ها جلسه‌های نمایش و نقد و بررسی چشم‌گیری به آن اختصاص پیدا می‌کرد کنجکاوی افراد بیشتر تری را برمی‌انگیخت و طبعاً تماشاگران بیشتر تری برای تماشای آن به سینماها می‌رفتند. اما در مجموع، از تجربه اکران فیلم در گروه هنر و تجربه سرخورده و دل‌سرد نیستم.

### به وضوح دیده می‌شود که نقدهای بسیار مثبت و دقیقی برای مستند «ساموئل خاجیکیان: یک گفت‌وگو» نوشته شده. فکر می‌کنید نمایش این مستند و نقدهایی که بر آن نوشته شده چه تاثیری می‌تواند بر آینده مستندسازی شما داشته باشد؟

این نقدها بی‌شک در تثبیت جایگاه من به عنوان یک مستندساز بی‌تاثیر نخواهد بود. خصوصاً به این خاطر که بعضی‌ها فکر می‌کردند و هنوز هم فکر می‌کنند که «ساموئل خاجیکیان...» اولین فیلم من است! البته من شخصاً دلم می‌خواست در این نقدها به تاثیر نگارش فیلمنامه،